



کهن دیار

انسان گرگ انسان

شواهد احتمالی از آدمخواری در میان شکارگران اواخر عصر سنگ در جنوب زاگرس

فاصله کم آن از دشت، مکان مناسبی برای سکونت فصلی یا طراقی‌های کوتا‌هتر شکارگر-گردآورندگان پارینه‌سنگی ساکن مرودشت بوده است. استفاده نسل‌های متمادی از این غار در فاصله حداقل ۵۰ تا ۴۰ هزار سال پیش تا پایان عصر یخبندان (حدود ۱۲ هزار سال پیش) باعث انباشت بقایای مختلفی در این غار شده که منابع اطلاعاتی مهمی برای باستان‌شناسان محسوب می‌شوند. متأسفانه پیش از آغاز کاوش در این غار، عملیات انفجار و استخراج سنگ آهک باعث تخریب دامنه مقابل غار و بخشی از سقف آن شده بود. اما نهشته‌های باستانی کف غار آسیبی ندیده بود و از این رو روزنبرگ در دو نقطه از کف غار در نزدیکی دهانه و انتهای آن، گمانه‌هایی با عمق ۱/۵ تا ۲ متر را طی مدت دو هفته کاوش کرد. مجموعه‌های استخوان و ابزار سنگی به دست آمده از این کاوش برای مطالعه بیشتر به ایالات متحده منتقل شد.

روزنبرگ در گزارش کاوش غار که در سال ۱۳۶۴ در مجله بریتانیایی «ایران» منتشر شد، به مجموعه

غارها و دیگر مکان‌های دوران پارینه‌سنگی مرودشت در سال ۱۳۵۷ در این غار کاوش محدودی انجام داد که در نتیجه آن آثاری از سه دوره مختلف پارینه‌سنگی با قدمتی بین حدود ۱۲ هزار سال تا بیش از ۴۰ هزار سال کشف شد. این آثار شامل ابزار سنگی، استخوان حیوانات و شماری قطعات استخوان و دندان انسان بود که نشان‌دهنده استفاده شکارگران دوره‌های پارینه‌سنگی میانی، جدید و فراپارینه‌سنگی از این غار بود. اشکفت گاوی به واسطه نزدیکی‌اش به رودخانه گُرو



پژوهشگران دانشگاه آریزونا که آثار قصابی را در سطح استخوان‌ها بررسی کردند.

راست: کورتیس مرین؛ چپ: جرمیا اسکات

فریدون بیگلری*



غار نیمه‌ویران اشکفت گاوی که خرابه‌های آن سال‌ها پشت تاسیسات سنگ‌شکنی پتروشیمی مرودشت پنهان مانده رازهای شگفتی از زندگی و مرگ نیاکان عصر سنگ ما در دل خود نهان کرده است. این غار زمانی سکونتگاه گروه‌هایی از شکارگران اواخر دوران پارینه‌سنگی بود که طبق بررسی‌های اخیر دو پژوهشگر آمریکایی هم‌نوعان خود را قصابی می‌کردند و احتمالاً می‌خوردند!

اشکفت گاوی نخستین بار در بررسی باستان‌شناختی مرودشت توسط باستان‌شناس فقید آمریکایی ویلیام سامنر در سال ۱۳۴۸ شناسایی شد. پس از گذشت تقریباً یک دهه مایکل روزنبرگ (M. Rosenberg) طی بررسی

تصویری از موقعیت غار اشکفت گاوی در حاشیه تاسیسات سنگبری پتروشیمی مرو دشت، محل دهانه غار با فلش قرمز مشخص شده است.

داخل کادر: نمای دهانه غار از داخل

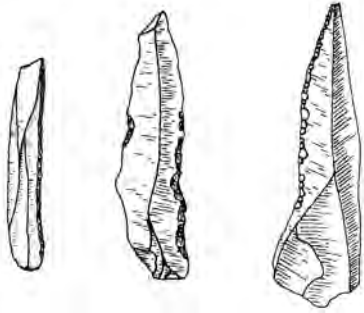
کوچکی از استخوان و دندان انسان اشاره کرد که در کنار بقایای جانوری و ابزارهای سنگی یافت شده بودند و بر اساس بررسی اولیه انسان‌شناسی به نام دیل استیوارت (T.D. Stewart) مربوط به انسان هوشمند جدید بود. استیوارت در بررسی خود متوجه نکته خاصی در آنها نشد تا اینکه بعدها پژوهشگری به نام کورتیس مریین (C.W. Marean) از موسسه خاستگاه‌های انسان در دانشگاه آریزونا بررسی دقیقی روی مجموعه استخوان‌های جانوری اشکفت گاوی و چند مجموعه دیگر عصر سنگ از غرب زاگرس را در سال ۱۳۷۰ آغاز کرد. مریین در جریان مطالعه استخوان‌ها، مجموعه کوچکی از بقایای انسانی شامل ده قطعه استخوان و دندان متعلق به چند کودک، نوجوان و بزرگسال را مجدداً بررسی و در سطح چهار نمونه از آنها آثار بریدگی‌هایی مشاهده کرد که در اثر برخورد لبه تیز ابزار سنگی ایجاد شده بود. وی چنین آثار برشی را در سطح برخی از استخوان‌های حیوانات در مجموعه اشکفت گاوی دیده بود که در هنگام قصابی لاشه شکار با ابزار سنگی ایجاد شده بودند. آیا این بدان معنی نبود که شکارگران اواخر عصر سنگ علاوه بر شکار حیواناتی چون آهو و گوزن به شکار انسان و آدم‌خواری نیز می‌پرداختند؟ مریین این مجموعه را برای بررسی‌های دقیق‌تر در اختیار یکی از همکارانش در دانشگاه آریزونا بنام جرمیا اسکات (J.E. Scott) قرار داد. نتایج این بررسی مشترک در سال ۱۳۸۸ در ژورنال «تکامل انسان» منتشر شد.

اما اهمیت این مجموعه در چیست؟ جز یک دندان انسان که در لایه‌های زیرین نهشته‌های دوره پارینه‌سنگی جدید یافته شد، بقیه مجموعه مربوط به دوره فراپارینه‌سنگی است که در زاگرس بین ۲۰ تا ۱۲ هزار سال پیش به طول انجامیده است. این ۹ قطعه استخوان از لایه‌های بالایی گمانه حفر شده در انتهای غار به دست آمدند. از استخوان‌هایی که آثار برش ابزار سنگی

در سطح آنها باقی مانده، دو تکه (استخوان پیشانی و استخوان ترقوه) تنها یک اثر برش دارند. در حالی که در استخوان کشکک و استخوان ران چندین برش موازی دیده می‌شود. در سطح این استخوان‌های برش دار و یک تکه دیگر از جمجمه آثار سوختگی نیز دیده می‌شود. وجود این آثار در سطح استخوان‌ها نشان می‌دهد که لاشه این افراد (دو کودک، یک نوجوان و یک فرد بالغ) با ابزار سنگی قصابی و گوشت از سطح استخوان آنها جدا شده است. آثار برش در سطح استخوان ران و ترقوه نشانه جدا کردن ماهیچه است. اما در استخوان کشکک حاکی از جدا کردن مفاصل ران و ساقی است. وجود این آثار در سطح استخوان جمجمه نیز نشانه کندن پوست سر یا شکستن جمجمه برای دسترسی به مغز بوده است. استخوان‌های کشکک، ترقوه و ران همراه با استخوان نیم سوخته آهو و گوزن یافته شدند.

تمامی این بقایا در لایه‌ای از خاکستر به دست آمدند که طبق نظر اسکات و مریین احتمالاً بقایای رفت‌وروب اجاق و انباشت زباله‌ها (خاکستر و بقایای خوراک) در چاله انتهایی غار است. این دو پژوهشگر با توجه به آثار برش و سوختگی و همچنین انباشت این نمونه‌ها همراه با خاکستر و استخوان حیوانات شکار شده در چاله انتهایی غار معتقدند که قطعات استخوان انسان به احتمال قوی بقایای آدم‌خواری هستند. مدارک یافته‌شده در اشکفت گاوی حاکی از این است که ساکنان غار در دوره فراپارینه‌سنگی علاوه بر شکار گوزن و آهو، در مواردی نیز دست به هم‌نوع‌خواری می‌زدند. روشن نیست که این عمل آیینی بوده یا صرفاً با هدف تغذیه صورت گرفته است. قربانیان می‌توانسته‌اند اعضای قبایل دیگر باشند که در درگیری‌ها کشته شده و جسدشان به چنگ دشمن افتاده، یا توسط آنها اسیر و بعداً کشته و قصابی شده‌اند. اسکات و مریین تأکید دارند که با توجه به شمار کم نمونه‌های استخوان انسان، نمی‌توان با قطعیت درباره آدم‌خواری در غار گاوی اظهار نظر کرد.

شواهد دیرین‌گرده‌شناسی از چندین دریاچه در منطقه زاگرس نشان می‌دهد که پس از دوره اوج یخبندان در حدود ۲۰ هزار سال پیش، به تدریج آب و هوا رو به گرم شدن نهاد و در نهایت در حدود ۱۲ تا ۱۰ هزار سال پیش



ابزارهای سنگی اواخر پارینه‌سنگی از اشکفت گاوی. احتمالاً ساکنان غار از چنین ابزارهای سنگی تیزی برای قصابی لاشه انسان استفاده می‌کردند.

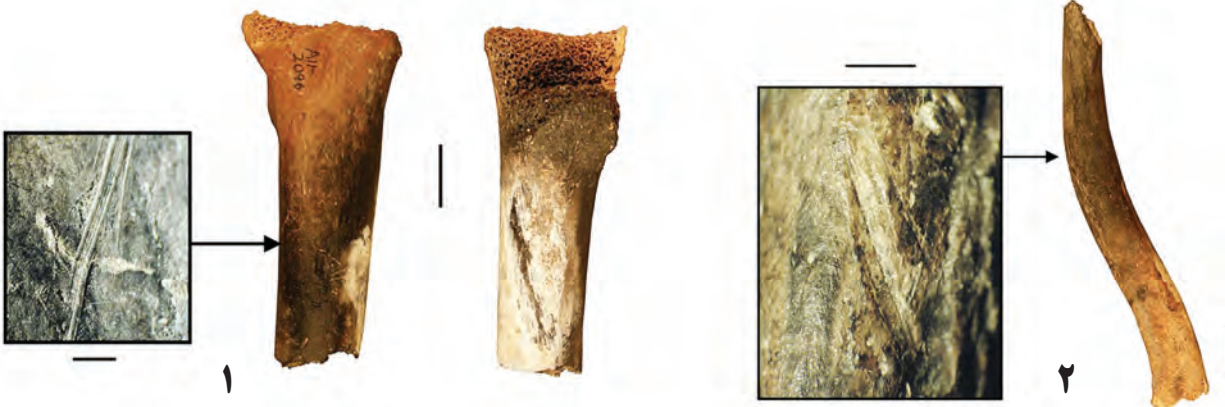
و با پایان عصر یخبندان تقریباً به وضعیت امروزی رسید. بهبود شرایط اقلیمی و افزایش بارندگی باعث افزایش منابع مختلف خوراکی شد که انسان‌های شکارگر و گردآورنده خوراک دوره فراپارینه‌سنگی برای بقای خود متکی به آنها بودند. افزایش منابع مختلف باعث رشد جمعیت جوامع انسانی شد که در نتیجه آن احتمالاً رقابت و کشمکش برای دسترسی به منابع مختلف و نهایتاً درگیری‌های قبیله‌ای گسترش یافت. هم‌زمان با این دوره در اروپا نیز قصابی جسد انسان و احتمالاً آدم‌خواری مرسوم بوده که در آثار به جا مانده از فرهنگ‌های اواخر پارینه‌سنگی در اروپا، خصوصاً در فرهنگ مگدلنی قابل مشاهده است.

* باستان‌شناس و مسئول بخش پارینه‌سنگی، موزه ملی ایران

ارجاعات

Rosenberg, M. (1985) Report on the 1978 Sondage at Eshkaft-e Gavi, Iran: 23:51-62.

Scott, J. E., and Marean, C. W. 2009. Paleolithic hominin remains from Eshkaft-e Gavi (southern Zagros Mountains, Iran): description, affinities, and evidence for butchery. Journal of Human Evolution 57: 248-259.



بقایای انسان از غار اشکفت گاوی: تکه‌ای از استخوان ران با چند اثر برش موازی (۱)؛ استخوان ترقوه و اثر برش (۲)